

خاتمه دهند، زیرا که این گروه کور با اراده ی توانا و با همی ما افغان ها وقتی گشوده می شود که به همبستگی قومی و در نهایت به وحدت ملی دست یافته باشیم که این کار مشکلی نخواهد بود. کما اینکه ملت ما هرگز به خود آگاهی ملی نرسیده باشند و چار چوبه منافع ملی مملکت را تا شناخته انگارند و از موضع گیری منسجم سیاسی پیرامون قضایا و حوادث ملی و بین المللی مر باز زتند.

هم مینا زمانی که مردم در گوشه و کنار کشور، پر شد متبدان قیام کرده، از جان و مال خود گذشتند، استقلال و آزادی می خواستند. با آن همه کشته و زخمی رجال و سیاست پیشه گان حدایشان را نشیندند، و همیشه نیز اجنبی در کنار متبدان بوده است، تا نگذارند مردم به خواست های بر حق خود برسند و سرکوب شان کرده اند. ولی هیچگاه عشق به آزادی در دل آن هایی که درین راه از جان و عمر عزیز خود مایه گذاشته اند، نمرده و بلکه هرچه روزگاری از آن گذشته، این شعله فروزان تر گردیده تا جایی که حتی سخت ترین شرایط هم نتوانسته آن را خاموش کند.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

تبت است بر جریده عالم دوام ما

در این مدت هرگاه رهنمایی پیدا شد، که می شد به دنبالش به راه افتاد و آن معشوق گمشده را جستجو کرد، آنگاه هم که پیدا شده بود؛ مردم دل آگاه دریغ نکردند. به آنها اعتماد کردند و دریغ ... و صد دریغ که قدر این مردم شناخته نشد، آنچه را که خواست قلبی شان بود برآورده نگردید. و آنهایی که مردم به دنبالشان راه افتاده بودند، نتوانستند حداقل به یک راه بروند و از خواست ها و منافع شخصی خود بگذرند، به وحدت و تفاهم دست یابند. در این میان خودکامگان و طرفداران خودکامگی، از شرایط به وجود آمده بهره بردند و آزادی را سرکوب کردند.

کسانی هستند، که فقط در جامعه یی قانون زیست می توانند. زیرا که صلح و آواش بر ضد منافع شان میباشد. از قدرت و حشمت شان کاسته می شود و از جامعه مستزوی می گردند. چون هر دیگر به جز ثروت اندوزی بلد نیستند، لذا سعی دارند تا جامعه به همان صورت بحرانی و هرج و مرج باقی بماند و حتی این دسته ها با دست های اجنبی همکاری می کنند. ای بسا ابلیس آدم روی هست پس بهره رستی نباید داد دست.

امروز در مینا، ترس، عدم امنیت و زور حکمفرمایی می کند، قانون وجود ندارد، و حقوق اولیه شهروندان، توسط اشغالگران و مزدوران شان پایمال می گردد. در حالیکه آنها، در کشور خود تمام مراحل رشد و توسعه و تکامل یک جامعه مدرن را در نظر گرفته اند، قانون و عدالت، زراعت میکانیزه و ... دارند و کشور ما را به پایگاه آموزش تروریست ها تبدیل کرده اند. اصلاً این ها کی هستند که به ما قانون وضع می کنند آیا برای افغانان جای تأسف نیست؟ و اگر از استعمار و استعمار گران و از اهداف استعماری شان بگذریم، و خود به قضاوت بنشینیم، متوجه خواهیم گردید که آنها از کدام نقطه ضعف ما استفاده کرده و می کنند، که این چنین با خیال آموده بر سرزمین دلاوران حکمروایی می کنند. بد نیست گاهی آدم ها از خودشان هم انتقاد کنند، ما هم ملامت هستیم که چرا تاکنون نتوانسته ایم به دور یک محور حلقه بزنیم و با هم برای نجات وطن خود، هم پیمان شویم و اگر گاهی هم عهد و پیمان بسته ایم، به زودی آن را گسته ایم. چرا؟ چرا حداقل زیر چتر مقاومت ملی و استراتژی واحد جمع نشویم و مبارزه نکنیم. زیرا که وقت آن رسیده است تا به خود آیم و به این وضعیت در دناک و تحقیر شدن ها پایان دهیم. مگر اینکار امکان ناپذیر است؟ در مقابل اراده ی یک ملت هیچ چیز امکان ناپذیر نیست. آن هم یک ملت مسلمان و غیور که در طول تاریخ آزادی را به بهای خون فرزندان به ارمغان آورده و همواره پامدار آن بوده است.

در قرن بیست و یکم، ملت افغان چه دارد؟؟ ... پنج میلیون آواره، فقرهای آواره و سرگردان، کشوری ویران که در آن فقر و بیماری پیداد می کند و روز به روز سطح زندگی مردم پائین تر می آید. میزان مرگ و میر کودکان افزون تر می گردد و ده ها درد و مصیبت دیگر، چنانچه همه شاهد بوده ایم، در زمستانی که گذشت، فرار پیشبینی هایی که بعمل آمده بود، بروز سرمای شدید و خشکالی بی سابقه، تورم سرسام آور قیمت ها، فقر و ستمبارگی برای کشور و مردم ما فاجعه یار آورد. و مزید بر آن، همه درد ها و رنج ها، سایه شوم طالبان، آن پیام آوران استبداد و پیدادگری هنوز هم گریبان گیر مردم افغانستان است. هدف از پاد آوری این مصیبت ها که بر همگان روشن است، این بود که زمان آن فرا رسیده است. تا دوستداران مردم و وطن به خود آمده و به این دردها و دلچهای مشترک، به این دوران سیاه و شیگون



سرزدن، سنگسار کردن و دست بردن شان، بدون حکم دادگاه یا نام اسلام و مسلمین تمام شده و به جهان محسوس می گردد. نام شان را طالبان می گذارند، تا واژه مقدس و وحشی را به بازی بگیرند. و اجنبی هم در کنار این دسته قرار گرفته و نمی خواهد که یک، افغان، از متجاوزان و آزاده و متمدن را در کنار خود داشته باشد. که در سطح بین المللی صاحب اعتبار باشد. کجا دشمنان می خواست که انقلاب خونبار و اسلامی افغانستان به سر بنشیند. کجا می خواهند افغان ها به حکومت دلخواه خود دست یابند؟

حالا سوال این است که چه باید کنیم تا مردم خود را نجات دهیم، تا به صلح و آرامش دست یابیم. صورت مسئله را تبیین چنان پیچیده کرد که حل آن فقط از عهده کارشناسان برآید. و در واقع مسئله کنونی جامعه ما نشابه زیادی به وقایع و رویدادهای دوران جهاد داشته و چندان پیچیده نیست، در حالی که در آن سالهای بحران را و پر تلاطم همین افغان ها بودند که در مقابل اردوی سرخ ایستادگی کرده و به پیروزی دست یافتند و استقلال کشور را به از مغاوت آوردند. بن سوال در ذهن هر کس خطور می کند که ما پاکستانی ها لموندتر از شوروی سابق است؟ به طور حتم غیر قابل مقایسه اند. زیرا که اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماع پاکستان درهم و برهم است. که تحلیل آن بحث جداگانه می طلبد. آنچه که مورد نظر است، اینکه پاکستان چشم طبع به افغانستان دوخته و می تواند آنرا بیلد و یا آنرا صوبه پنجم خود سازد. روی این هدف و برنامه، می خواهند کشور ما را از مرتقه نظر عقب نگاهداشته و مردم را از آموزش و پرورش، از تکنولوژی مدرن دور بدارد و در کنار آن نگذارد تا در افغانستان یک حکومت فراگیر مردمی تشکیل گردد که به منافع ملی و تمامیت ارضی و حقوق بین المللی و افس باشد. بلکه کسانی را می خواهد تا بر سر قدرت باشند، که همچو طالبان عمل کنند. کورکرواته از آنها اطاعت نمایند، مثنی از افراد متعجر و واپس گرا باشند و در چنین شرایطی است که پاکستان می تواند از خاک افغانستان برای اهداف استعماری و استراتژیک خود استفاده نماید.

در حالی که کورخوانده اند تا یک نفر افغان باشد. نخواهند توانست به این اهداف شوم خود تایل آیند، و از این گذشته تا افغانستان، امن و امان نباشد نخواهند توانست به منابع عظیم نفت و گاز آسیای میانه دست رسی داشته باشند. جنگ های فرسایشی روزی پاکستان را از پای در خواهند آورد و مداوم جنگ، در افغانستان هرگز به نفع کشورهای همسایه نیست. تفرقه افگنی های

شان هم دیگر سودی نخواهد داشت. ملت افغان چهره واقعی شان را شناخته اند.

آنچه که در شرایط کنونی کشور کار آس دارد، اتحاد افغان هاست. از هر قوم و تباری که باشند و از هر حزب و گروهی آزادی که دل شان به افغانستان و مردمانش می تپد، به منافع ملی و تمامیت ارضی میهن اسلامی خود می اندیشند، باید در مقابل تجاوزگران پاکستانی متحد شوند، نگذارند کشور ما بیش از این میدان ناخست و تاز اجنبی و مزدوران شان باشد. نگذارند قاجعه ای انسانی در افغانستان تکرین یابد، به منافع ملی، به انسجام و ثبات جامعه بیندیشند، در جامعه ما که چشم های مردم نیز و مواظب است که کم کم گروه های سیاسی و آن هاین که داعیه مقام و مسئولیت دارند، یک کاری نکنند، گامی جزدی در جهت استقلال سیاسی کشور بر دارند تا در مقابل تاریخ روستفید و سرافراز گردند.

هم میهن جان کلام این جاست: در حالی که دشمن (پاکستان)، بابی رحمت تمام آثار باستانی و میراث فرهنگی کشور را نابود می کند، ریش درختان پسته، حن، استخوان مردگان را خریداری می کنند، قلب کوچک کودکان معصوم سرزمین سن و ترا برده و آنرا در اسلام آباد به حراج می گذارند، بت هایمان را تخریب می نمایند، نسل کشی، و سیاست زمین سوخته را اعمال می دارند، فرهنگ سوزی و محنت بارگی را ترویج می کنند، دشمنی تا چه حد؟ عین قاجعه را می بینید؟ پس باید در چنین شرایطی بی تفاوت ماند؟ این بی تفاوتی به منابه تسلیمی است؟ حدیث بی خبران است یا زمانه ساز

رمانه یا نو سارد سو یا رمله سبیز

در چنین شرایط پس حساس و تاریخی، زمان آن رسیده است، تا دیر نشده مقاومت های ملی با طیف گسترده تر آغاز گردد. آن هم وقتی که متاسفانه طیل بد آهنگ تجزیه طلبی، حکومت قدرتی، و حتی عدم ثناوم مقاومت، توسط کسانی به صدا در آمده است. غرض آهنگ نیست، بلکه بر خلاف منافع ملی، تمامیت ارضی کشور خواهد بود و جامعه را در راه رسیدن به وحدت ملی در مسیر دور تر فرار خواهد داد. آنچه که اوضاع کنونی و شرایط فعلی جامعه ما یدان نیازمند است، تضاهم و همبستگی است تا مقاومت ملی تقویت بشود؛ به پناه سرائی ها و خواب های استعماری حاکمان اسلام آباد که بر محابا قوم «پشتون» افغانستان را مکررا بطور توخین آمیز و بادر مآبانه، پشایه



آنچنانیکه دیگران در بحبوحه جنگ های مبینی در کشور شان، کلید مشکلات جامعه خود را دریافتند و آنگاه به فلاح و رستگاری نایل آمدند که بدون شک امروز شان بر آیند تعقل دیروز شان است - باید خواه تا خواه به این امر اعتراف کرد که در گذشته اشتباهات نا گوارای وجود داشته و همان اشتباهات تاریخی بود که کشور را به این روز انداخت و انقلاب را از مسیر اصلی اش منحرف ساخت. در آن زمان زمزمه های تجزیه طلبی و... بگوش می رسید که اشتباه محض بود.

پس نباید بگذاریم همان اشتباهات بار دیگر تکرار گشود. در شرایط کنونی کشور، نه تنها رهبری نهضت مقاومت، بلکه فردی از علمای جید، مبارزان و متفکران ملی، به پیشگاه خدا، تاریخ و مام مبین مسئول اند، باید جوابگو باشند. لذا راهی جز این در پیشو ندارند که سمت و سوی حرکت خود را باید با وحدت و انسجام ملی تعیین نمایند تا در بین جامعه وحدتی و همگرایی بوجود آید. در غیر آن صورت، و یروس تجزیه طلبی و تفرقه افکنی فعال تر خواهد گردید که برای جامعه زخمی ما به شدت هرچه بیشتر، بیماری زا و کشنده خواهد بود... بیایید از هرثومه تفرقه زاء سخت بهراسیم و بیرهیزیم و بیابید سلبه های شخصی و منافع قومی، گروهی و خواسته های قشری و قبیله ای خویش را در چارچوب منافع ملی مملکت منحل نماییم و دور تا دور آنرا به رنگ قرمز خط بکشیم.

سردبیر



ابزاری در جهت ایجاد عمق استراتژیک و پامداران امنیت ملی پاکستان مورد خطاب قرار داده و تجاوز شان را بر خاک مقدس مان توجه می کنند، پاسخ لازم و دندان شکن بدهد.

زمانی که به این حقیقت می رسیم که تنها نجات مام مبین را به اتحاد، وحدت و همبستگی ملی می توان بدست آورد، پس می بایستی حرکتی نو ایجاد کرد و همانظوری که در برابر اردوی سرخ ایستادگی شد و مردم از نهضت مقاومت مخلصانه حمایت نمودند یازهم با انسجام ملی باید به مردم انگیزه و نوید داد؛ اینک زمان آن فرارسیده تا رهبری مقاومت ملی، حضور و موجودیت خود را با اعلام مواضع نوین نظامی و سیاسی خود به طور شفاف و روشن برای مردم باز گو کند تا مردم به خوبی بدانند که از چه هدف و آرمانی حمایت و پشتیبانی می کنند. یقیناً مردم از چنین حرکتی قاطعانه پشتیبانی خواهند نمود؛ گرچه مردم غیور و متجاوز سبز افغانستان، حضور روز افزون نظامیان پاکستانی و ملیشای عربی بن لادن رادر سرزمین شان با تمام وجود خود لمس می کنند و از آن متفر اند و آماده فدا کاری و سربازی می باشند؛ پس بایستی جبهه مقاومت ملی، تشکل و انسجام سیاسی خود را چنان بیان نماید تا مردم و طرفداران استقلال و آزادی کشور چه در داخل و چه در خارج دست در دست هم داده یک حرکت سازمان یافته و ملی ایجاد نموده و در راستای نجات مردم و کشور عزیز با گام های استوار بسوی الحق روشن به پیش روند. لذا بخاطر حفظ و تداوم مقاومت و در نهایت نجات مردم کشور، هدف و استراتژی مقاومت در سطح کل کشور بوضوح بیان شود. تا مردم از عظالت، سر در گمی و باس بیرون آمده به آینده با شکوه مبین امید وار گردند.

مردم رتجدیده افغانستان عزیز، از مبارزان ملی خود این توقع را دارند که بدور از تعصبات قومی، زبانی و مذهبی و متطقه ای گردهم آمده، با اتحاد و همبستگی، «ارزش محوری» را در جامعه، مروج سازند و در راه رسیدن به وحدت ملی، گام به گام استراتژی واحدی را در چارچوب منافع ملی کشور اتخاذ و چتر مقاومت ملی را در روشنائی کامل و به هدف تأمین عدالت اجتماعی و حقوق شهر وندی، حفظ استقلال و تمامیت ارضی

مبین هر چه فراختر بگسترانند، پا به پا در کنار فرد محبوب، معقول و مورد نظر شان بایستند و از جاه طلبی و تفرقه بیرهیزند -